

عبدالقدیر «همراز»

نگاهی بر نظریات محترم غفار «عریف» پیرامون مرامنامه جدید "نهضت آینده افغانستان"

رفقا و دوستان عزیز!

طبق معمول، روز را با سر زدن از سایت های دلخواه خود به منظور کسب اطلاعات آغاز کردم که توجه ام را در سایت وزین «سپیده دم» مطلبی تحت عنوان «نگاهی به مرامنامه "نهضت آینده افغانستان"» نوشته محترم غفار عریف به خود جلب نمود. چون خودم یکتا از اعضای ساده «نهضت آینده افغانستان» می باشم، بیشتر علاقمند شدم تا نوشته رفیق غفار عریف را، که صرف با نام موصوف در اینترنت آشنا شده و متأسفانه هیچگونه شناخت قبلی هم با ایشان ندارم و تنها یکی دو مطلب شان را در سایت های اینترنتی مطالعه کرده ام. اما قبلاً افتخار رفاقت حزبی را با ایشان در ح.د.خ.ا. داشتم.

با وصفی که آرزو نداشتم در این زمینه با رفیق عریف وارد بحث شوم، لیکن از روی احساس مسئولیت سیاسی ام ناگزیرم در حصه خود به مثابه عضو عادی «نهضت آینده افغانستان» با ایشان وارد بحث مختصر شوم. یک نکته را باید از قبل یادآور شوم که من هیچگاهی دست به قلم نبرده ام و مانند رفیق عریف نویسنده و تحلیلگر مسایل سیاسی- اجتماعی و ادبی نه می باشم. بناً در لابلای نوشته ام اگر اغلاط موجود می باشد در مجموع از دوستان و شخص ایشان پوزش می خواهم و به آن خورده نگیرند.

نظریات شما را با دقت تمام مطالعه کردم و با تمام حرمت که به شخص شما دارم اینک مختصراً روی آن نکات که من اشارات دارم می پردازم و آرزومندم از صراحت نوشته ام نا راحت نشوید چون من نسبت به شما مسایل را رفیقانه تر و بی آلیشانه تر

مطرح میکنم و از یک موضع دوست با شما وارد بحث می‌باشم که امیدوارم سوء تفاهم نشود.

در آغاز مطلب تان نوشته‌اید که: «**طرح مرامنامهٔ نهضت آیندهٔ افغانستان (نهاد سیاسی برون مرزی)** را که در (۱۸) صفحه و در چهار فصل، به ترتیب زیرین تدوین یافته است، مطالعه نمودم: ...». «**نهضت آیندهٔ افغانستان**» که شما از آن بنام «**نهاد سیاسی برون مرزی**» یاد نموده‌اید، یک «**نهاد سیاسی برون مرزی**» نبوده بلکه برعکس عملاً یک نهاد سیاسی فعال در داخل کشور دوستداشتنی مان افغانستان نیز می‌باشد و حتماً شما به مثابه یک تحلیلگر مسایل سیاسی از جریان کار کنفرانس سراسری «**نهضت آیندهٔ افغانستان**» اطلاع کافی دارید که پیام‌های تعداد از اعضای «**نهضت آیندهٔ افغانستان**» از ولایات مختلف کشور ما مستقیماً از طریق تیلیفون در بخش اول کار کنفرانس که مهمانان ما نیز حضور داشتند پخش گردید. از اینکه رفقای هسته مرکزی «**نهضت آیندهٔ افغانستان**» در خارج از کشور می‌باشند این به مفهوم آن نیست که «**نهضت آیندهٔ افغانستان**» به زعم شما یک «**نهاد سیاسی برون مرزی**» می‌باشد. البته این خود یک نوع ذهنی‌گرایی از جانب شما در رابطه با «**نهضت آیندهٔ افغانستان**» بوده و من متأسفم که شما نه می‌خواهید این حقیقت را بپذیرید. به هر صورت این مسئله آنقدر مهم نیست که بر سر آن با شما به اصطلاح پیچید.

شما در قسمت دیگری از نوشته تان چنین می‌نویسید: «**ولی از آنجا ئیکه نگارنده سند تصویب شده را در اختیار ندارد، بنا بر آن ناگزیر حرفها بایست بر مبنای محتویات طرح در دست داشته ارائه شود.**».

دانسته نشد که نویسنده و تحلیلگر مسایل سیاسی و اجتماعی برونمرزی ما چی ناگزیری داشت که بر مبنای محتویات طرح در دست داشتهٔ شان با عجله و شتاب بدون آنکه بر مبنای سند تصویب شده در کنفرانس سراسری «**نهضت آیندهٔ افغانستان**»، حرفهای خود را ارائه کند، پیرامون مرامنامهٔ «**نهضت آیندهٔ افغانستان**» اظهار نظر می‌کند. همان طوری که به همگان معلوم است سند تصویب شده در کنفرانس سراسری «**نهضت آیندهٔ افغانستان**» از شام ۲۳ جون

۲۰۰۷ تا کنون در سایت رسمی انترنتی «نهضت آینده افغانستان» موجود می باشد و این خیلی جالب است که رفیق عریف گرامی ما در طی مدت زمان بیشتر از یک ماه حداقل یک بار هم به مثابه یک عضو ح.د.خ.ا. (چپ اندیش) آنهم از زمره سابقه داران حزب، از سایت رسمی «نهضت آینده افغانستان» بازدید نکرده اند، در صورتیکه تصمیم هم داشتند که پیرامون مرامنامه «نهضت آینده افغانستان» نظریات خویش را در میان بگذارند مگر با آنهم نخواستند که بر مبنای سند تصویب شده در کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان» نظریات خود را در میان بگذارند و دلیل می آورند که گویا نگارنده (غفار عریف) سند تصویب شده را در اختیار ندارد و ناگزیر است حرفهای خود را بر مبنای محتویات طرح در دست داشته شان ارائه نماید. اگر این ناگزیری قبل از تدویر کنفرانس میبود جا داشت اما بعد از تدویر کنفرانس در مورد ارایه این نظریات قضاوت را به رفقا و دوستان عزیز واگذار مینمایم که آیا این دلیل هم توجیه شده می تواند؟ و یا کاسه زیر نیم کاسه است. ناگفته نماند که ما در قرن بیست و یک و آنهم به قول خود ایشان در «اروپای متمدن» زندگی می کنیم ولی هنوز هم منتظر هستیم که باید همه چیز مانند گذشته ها از طریق پست در اختیار ما قرار گیرد و یا کسی هم برای ما ارسال بدارد. امروز عصر تخنیک و کامپیوتر است و لازم نمیدانم که در باره اهمیت و استفاده از این وسیله ی پیشرفته علمی و تخنیکی چیزی بنویسم.

رفیق عریف در جای دیگر می نویسند : «...ازموقف یک شهروند خیلی ها معمولی افغانستان ویک عضوبسیار- بسیارعادی ح. د. خ. ا. (ازپائین ترین رده های صفوف) ولی اززمره سابقه داران حزب، متعهد ووفاداربه آرمانهای آن، بدون داشتن کوچکترین ارتباط وپیوند با نهادهای سیاسی نوتشکیل درداخل وخارج ازمرزهای کشور، نظریات خویش را ازدیدگاه یک خواننده مستقل، پیرامون مرامنامه جدید، درمیان بگذارم:...».

شخص خودم در رابطه با این که رفیق غفار عریف از زمره سابقه داران حزب، متعهد و وفادار به آرمانهای آن می باشد کوچکترین تردیدی ندارم، لیکن درست دانسته نشد که هدف از بکار بردن «عضو بسیار- بسیار عادی ح.د.خ.ا.» در این جا چیست ؟ آیا از نظر شخص ایشان ما کتگوریهای ذیل را در ح.د.خ.ا. داشتیم ؟ :

- عضو حزب
- عضو عادی حزب
- عضو بسیار عادی حزب
- عضو بسیار- بسیار عادی حزب

که در این صورت رفیق عریف ما در کتگوری عضو بسیار- بسیار عادی حزب ولی از زمره سابقه داران حزب می باشند. اما یک مسئله را نباید فراموش کرد که ما سابق در ح.د.خ.ا. خود صفوف داشتیم، کادر ها داشتیم و رهبری داشتیم. همه اعضای ح.د.خ.ا. در برابر حزب و اساسنامه آن حقوق یکسان و مساوی داشتند. هیچ عضو برتر از عضو دیگر نبود. پس دانسته نشد که رفیق عریف با پیشکش نمودن چنین کتگوری چی می خواهد به ما تفهیم کند ؟

و مسئله دیگر اینکه آیا واقعاً از لحاظ ساختار تشکیلاتی، ح.د.خ.ا. هنوز هم به زعم رفیق عریف موجودیت فیزیکی دارد ؟ اگر دارد در کجا ؟ در داخل کشور و یا هم به زعم ایشان مانند «نهضت آینده افغانستان» در شرایط و اوضاع فعلی یک «نهاد سیاسی برون مرزی» می باشد؟ همچنان هسته مرکزی آن از کدام رفقا متشکل می باشد؟ در رأس آن کدام رفیق قرار دارد؟ از پاراگراف بالا که از نوشته رفیق عریف نقل کرده ام چنین برداشت کردم که ایشان عضو بسیار- بسیار عادی سابق ح.د.خ.ا. نی، بلکه عضو بسیار- بسیار عادی عملاً فعال ح.د.خ.ا. می باشند. اما جالب اینست که اگر خود را عضو عملاً فعال ح.د.خ.ا. به شمار می آورند! پس چگونه ممکن است شخصی که عضویت یکی از نهاد های سیاسی را دارا می باشد! در عین حال عضو یک نهاد سیاسی دیگر نیز باشد ! در صورتیکه چنین نیست و من نیز در چنین مورد با ایشان موافق هستم، پس چگونه می نویسند که : «...بدون داشتن کوچکترین ارتباط و پیوند با نهادهای سیاسی نو تشکیل در داخل و خارج از مرزهای کشور، نظریات خویش را از دیدگاه یک خواننده مستقل، پیرامون مرامنامه جدید، در میان بگذارم:...». مگر میشود که انسان در عین زمان عضو یک نهاد سیاسی دیگر نیز باشد ؟ یک امر طبیعیست که اصولاً شما نمیتوانید همزمان عضو یک نهاد سیاسی دیگر نیز باشید. که

در این صورت به فکر من نوشتن چنین جملهء : «...بدون داشتن کوچکترین ارتباط و پیوند با نهادهای سیاسی نو تشکیل در داخل و خارج از مرزهای کشور...» نادرست می باشد. پس سوال دیگر این است که شما چگونه می نویسید که : «...نظریات خویش را از دیدگاه یک خوانندهء مستقل، پیرامون مرامنامهء جدید، در میان بگذارم:...». آیا شما یک خواننده مستقل هستید یا خوانندهء که خود را وابسته به ح.د.خ.ا. میدانند ؟ راستش اصلاً از نوشته های شما هیچ سر در نیاوردم. گاهی می نویسید که عضو ح.د.خ.ا. می باشید و گاهی هم می نویسید که یک خوانندهء مستقل می باشید و کوچکترین ارتباط و پیوند با نهاد های سیاسی نو تشکیل در داخل و خارج از مرز کشور ندارید. اگر ارتباط و پیوند با نهاد های سیاسی نو تشکیل در داخل و خارج از مرز های کشور ندارید، با نهاد سیاسی ح.د.خ.ا. که به زعم خود شما عضو آن می باشید ارتباط و پیوند که دارید، پس چگونه ادعا می کنید که یک خوانندهء مستقل می باشید ؟

رفیق عریف عزیز ! بعد از اینکه شما نوشتید که نظریات تان را از دیدگاه یک خوانندهء مستقل؟، پیرامون مرامنامهء جدید، در میان میگذارید، شما باور کنید که من تقریباً سه صفحهء از نظریات شما را که متشکل از ۱۸ پاراگراف میباشد، مطالعه نمودم اصلاً هیچ نفهمیدم که شما برای ما و خواننده گان با استفاده از فرصت درس تاریخ را آموزش میدهید یا می خواهید نظریات تان را پیرامون مرامنامهء جدید «نهضت آینده افغانستان»، آنهم نی بر مبنای محتویات سند تصویب شده در کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان» که بعد از ختم کار کنفرانس از شام ۲۳ جون ۲۰۰۷ بدینسو در سایت رسمی نهضت موجود می باشد، بلکه بر مبنای طرح در دست داشتهء تان آنهم بنا بر ناگزیری؟ ارائه نمایید. ثانیاً سوال من از شما اینست هر گاه شما نظریات تان را پیرامون مرامنامهء جدید «نهضت آینده افغانستان» آنهم بعد از سپری شدن اضافه تر از یکماه از نشر سند تصویب شده در کنفرانس، بر مبنای طرح در دست داشتهء تان از طریق سایت وزین «سپیده دم» بدست نشر سپردید، چرا همین نظریات تان را پیش از تدویر کنفرانس سراسری نهضت آینده افغانستان به آدرس رفقای عضو این سازمان و سایت انترنیتی آن جهت غنا بخشیدن این سند

نفرستادید؟ در آخرین تحلیل نهضت ما که یک سازمان چپ مترقی و انقلابی می باشد و تا جاییکه شما نیز معلومات دارید در اسناد «نهضت آینده افغانستان» آمده است که نهضت ما وفادار و معتقد به اندیشه ها و آرمانهای آغازین ح.د.خ.ا. می باشد، حالا دانسته نشد که هدف شما از این اظهار نظریات پیرامون مرامنامه جدید «نهضت آینده افغانستان» چی می باشد، غنا مندی آن یا تخریب آن؟ اگر هدف شما غنامندی آن می باشد، پس چرا در آن موقع پیش از آنکه این سند نهایی شود و به تصویب برسد نظریات خود را پیرامون آن به مثابه یک عضو جنبش چپ انقلابی کشور به نهضت ما نفرستادید؟ شاید بگویید که از شما کسی تقاضا ننموده بود پس سوال می شود که حالا از شما کی تقاضا کرده است؟ بالاخره شما که بهتر می دانید که در «نهضت آینده افغانستان» نیز پرچمداران صدیق مبارزه به خاطر رهایی انسان زحمتکش از چنبره استثمار دور هم گرد آمده اند و این تنها شما که پرچمدار نیستید. شما خود اعتراف می کنید که: «حلقه رهبری نهضت آینده که خود تا پایان حاکمیت، در نرد بانهای قدرت در ح.د.خ.ا. و دولت تکیه زده بودند، جا و مقام قابل محاسبه و ملاحظه یی داشتند...». ما که از مواضع انقلابی مشترک گذشته مان عدول نکرده ایم، پس این موضعگیری منفی در قبال «نهضت آینده افغانستان» از جانب شما برای چیست و از کجا ناشی می شود؟

رفیق غفار عریف، در باره درسهای تاریخ که به بهانه نگاهی به مرامنامه «نهضت آینده افغانستان» چند پاراگراف را نوشته اید اصلاً ارداه ندارم که روی آنها تماس بگیرم زیرا به شکل جسته و گریخته مطالبی را نادرست تحریر نموده اید که بر اساس فرموده شما مستلزم بحث جداگانه (تاریخی) می باشد و هیچگونه پیوند منطقی و دیالکتیکی با بحث که شما آغاز نموده اید ندارد. بعداً بدون رعایت و حفظ تسلسل با پاراگراف های قبلی به یکبارگی جهش نموده و با برجسته نمودن پاراگراف جدیدتان چنین می نگارید: «و اما در دیباچه مرامنامه نهضت آینده افغانستان برغم اینکه در مورد حوادث و رویدادهای تاریخی و پیکارهای سرنوشت ساز خلقهای میهن ما که فشرده آن در بالا شرح یافت، نسبت هرملحوظ و منظوری که بوده، پیرامون آن توضیحات لازم و ضروری داده نشده است...». عریف گرامی، شما اشتباه می کنید.

مرانامه «نهضت آینده افغانستان» قسمیکه از نامش پیداست یک سند مرامیست نه درسنامه تاریخی! در مورد حوادث و رویدادهای تاریخی و پیکارهای سرنوشت ساز خلقهای میهن ما آنطوری که شما آرزو دارید که باید پیرامون آن به تفصیل توضیحات داده شود، کار تاریخ و تاریخنویسان می باشد، نه کار مرانامه یک سازمان سیاسی . اگر چنین نیست، پس شما برایم نشان دهید که در کدام جایی از اسناد مرامی ح.د.خ.ا. و سازمانهای سیاسی دیگر در مورد حوادث و رویدادهای تاریخی و پیکارهای سرنوشت ساز خلقهای میهن ما به تفصیل توضیحات لازم و ضروری داده شده است که در مرانامه «نهضت آینده افغانستان» از آن به زعم شما نسبت هر ملحوظ و منظوری که بوده پیرامون آن توضیحات لازم و ضروری داده نشده است ؟

در پاراگراف دیگری از درسهای تاریخ شما که از تولستوی نقل نموده اید باید یادآور شد که رفقای «نهضت آینده افغانستان» در این سازمان انقلابی که شما بیجا، بی مورد و نادرست در رابطه با آنها از تولستوی نقل قول نموده اید، هیچگونه مشاغل انحصاری و گیج کننده ندارند، بازیگران و هنرمندان سیاسی در داخل و خارج از کشور آنانی هستند که امروز به زعم شما «...نه با دادن " شعار " بلکه با عمل دست بکار شدند و مدت ها قبل از ظهور نام نهضت آینده ، هسته های تشکیلاتی را در داخل کشور و خارج از آن بوجود آوردند و با این فداکاری " سکوت جنبش چپ » را شکستند. . ما و مردم ستمدیده ما امروز عملاً می بینیم که رقاصه ها و هنرمندان سیاسی همانگونه که شخص شما از آنها در پاراگراف بالا یاد نموده اید مدتها قبل هسته های هنری تشکیلاتی خود را در داخل و خارج از کشور بوجود آورده اند و عملاً در دامان ارتجاع و امپریالیزم قرار دارند و در کنار دشمنان سوگند خورده مردم و کشور ما بالای خون شهیدان گلگونکفن ح.د.خ.ا. تجارت سیاسی نموده و به خاطر دریافت سند فعالیت از قانونیت امریکایی حاکم در کشور و سازمان های امریکایی (NDI) تقدیر نامه دریافت می کنند. مردم ما و فرزندان صدیق ح.د.خ.ا. این معامله گران و جفاکاران رسوای تاریخ را خوبتر می شناسند. در اینجا است که گفته های تولستوی بزرگ در مورد شان صدق می کند.

در فرهنگ انقلابی کاربرد واژه "جناب" مروج نمیباشد. هر آن کسی که خود را انقلابی میداند استفاده و کاربرد از واژه "جناب" را در مقابل رفیق هم‌رزم دیروزی خود و حتی دیگران نادرست میداند، از اینکه شما به جای واژه زیبای "رفیق" از واژه "جناب" در مقابل هم‌رزمان دیروزی تان که به خاطر یک آرمان مشترک و انسانی یک زمانی با هم در یک سنگر مبارزه می کردید کار گرفته اید خیلی زیاد متاسفم. با اینگونه موضعگیریهای منفی و برخوردهای ناشایسته چگونه می توان از کنار آمدن ها و وحدت نیروی های چپ سالم اندیش و مترقی حرف به میان آورد ؟ از تحلیلگران سیاسی، قلمبدهستان و سابقه داران حزبی متعهد مانند شما چنین انتظار برده نه میشود.

عریف عزیز،

در یک قسمت دیگری از درسنامه های تاریخی تان چنین می خوانیم : «طراحان مرامنامه در پروگرام نوسازی جنبش چپ افغانی به مقصد اینکه خواننده به حرف ها اعتماد و باور پیدا میکرد، بسیار ضرور بود تا پیش از هر چیز دیگر درباره چگونگی تدویر نخستین جلسه اساس گذار نهضت آینده، چهره ها و شخصیت های مشترک کننده (تعداد) در نشست، موقف اجتماعی- پایگاه مردمی- صلاحیت و سوابق کاری- گذشته سیاسی شرکت کنندگان، فضای حاکم بر مجلس... به خوانندگان معلومات میدادند تا جذابیت و پاکیزگی سرشت شخصیتها، میزان محبوبیت حاضرین در همایش، صداقت و پابندی آنها به آرمانهای مردم، رعایت معیارهای دموکراتیک در برگزاری جلسه و شفافیت انتخاب هیأت رهبری، زمینه ساز رجوع وسیعترین بخشهای وطنپرستان انقلابی بسوی این نهاد میگردد.» . در رابطه با چهره ها و شخصیت های اشتراک کننده (تعداد) در نشست، موقف اجتماعی- پایگاه مردمی- صلاحیت و سوابق کاری- گذشته سیاسی شرکت کنندگان اگر فراموش نکرده باشید شما خود در یک بخشی از درسهای تاریخ تان اشاره نموده اید که اینک یکبار دیگر آنرا برای شما از خود شما نقل قول می کنم : «حلقه رهبری نهضت آینده که خود تاپایان حاکمیت، در نرد بانهای قدرت در ح. د. خ. ا و دولت تکیه زده بودند، جا ومقام

قابل محاسبه و ملاحظه یی داشتند...» بناً همین یک جمله کوتاه شما فکر می کنم برای شما و امثال شما کافی خواهد باشد که در باره سوابق کاری- گذشته سیاسی شرکت کننده گان کنفرانس بدانید. در رابطه با تعداد شرکت کننده ها نیز می توانید به اسناد کنفرانس سراسری «نهضت آینده افغانستان» که در سایت رسمی آن موجود میباشد مراجعه نمایید. از اینکه در جایی دیگری از درسهای تاریخ تان نوشته اید که : «در حال حاضر نهضت آینده افغانستان هرگز مهر و نشان» یک تشکل گسترده سیاسی- اجتماعی- فرهنگی « را ندارد و نمیتواند داشته باشد در وجود ترکیب فعلی هیأت رهبری و اعضای آن در آتیه نيز دستيابی به این مأمول جز خیال باطل چیز دیگری نخواهد بود.» باید خدمت شما رفیق عزیز عرض شود که این نظر خود شماست بگذارید شما چنین باور و عقیده داشته باشید، داشتن چنین باوری از جانب شما برای ما مهم نیست. موجودیت آفتاب در عقب ابرها به هیچ وجهه بیانگر نبودن آفتاب نمی باشد!

سوالی دیگری که از نوشتهء شما پیدا میشود اینست که شما ننوشته اید که این پرچمداران ح.د.خ.ا که شما از آنها یادآوری نموده اید که نه با دادن "شعار" بلکه با عمل دست بکار شدند و مدت ها قبل از ظهور نام نهضت آینده، هسته های تشکیلاتی را در داخل کشور و خارج از آن بوجود آوردند و با این فداکاری؟ "سکوت جنبش چپ" را شکستند، کدام نیروهای سیاسی هستند که ما تا فعلاً در مورد آنها چیزی نمیدانیم و شما هم نسبت هر ملحوظ و منظوری که بوده از آنها آگاهانه نخواسته اید نام بگیرید؟ بسیار جالب می بود که اگر در این مورد به تفصیل روشنی انداخته میشد که همه میدانستند .

در اخیر برای شما باید خاطر نشان بسازم که برای سازمانهای مترقی آنقدرها که کیفیت مهمتر می باشد، کمیت مهم نمیشود. از تجارب ح.د.خ.ا. باید آموخت که سیاهی لشکر نیاید بکار. اما با آنها شما آنقدر نگران نباشید تعداد اعضای نهضت آنقدرها هم که شما فکر می کنید کم نمیشود و با گذشت هر روز از لحاظ کمیت نیز متوازن با کیفیت آن رشد می کند. اگر قرار باشد که معیار افزایش اعضای یک سازمان

اعتقادات و باورها نی بلکه به زعم شما مصروفیتهای وطنداران مان باشد، پس باور داشته باشید که هیچ نهاد سیاسی در داخل و خارج از کشور گراف صعودی خود را نخواهد پیمود و در هیچ نهاد سیاسی برونمرزی بیشتر از تعداد انگشتهای دست اعضای آن موجود نخواهد بود.

در رابطه با "ایدیالوژی" و تعریف آن توجه شما را به متن مصاحبهء من (عبدالقدیر همراز) با رفیق عبدالله نایبی رئیس «نهضت آینده افغانستان» در سایت نهضت آینده جلب می نمایم که آنرا یکبار عمیق مطالعه نمایید، مطمئن هستم که پاسخ خود را در آنجا میابید و من از تکرار مجدد آن به خاطر طولانی شدن کلام و ضیاع وقت دوستان در اینجا صرفنظر می کنم.

در اخیر نوشته ام را با نقل قول از بزرگمردی به پایان می رسانم که می گفت : «سازمان کوچک از انقلابیون را به ما بدهید- ما روسیه را دگرگون می کنیم!» . «دام افتادن ده نفر عاقل به مراتب دشوارتر از صد نفر... است». و.ا.لنین کتاب چه باید کرد ؟ فصل چهارم : خرده کاری اکونومیست ها و سازمان انقلابیون.

به امید تندرستی و سلامتی شما رفیق عزیز،

www.ayenda.org

نگاهی به مرامنامه " نهضت آینده افغانستان " ... غفار عریف